

جنود عقل و جهل

سومین جلسه درس اخلاق حرفه ای در مدیریت با رویکرد اسلامی - دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی (ره) - زمستان ۱۳۹۷

مرور

- کاری که باعث آرامش انسان می شود چه ویژگی هایی دارد؟
- توبه ۹: إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ
- نحل ۹۷: مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوَةً طَيِّبَةً
- ۱۱ سبأ: أَنْ اَعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاَعْمَلُوا صَالِحًا اِ
- ۷۳ واقعه: نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكَرَةً وَمَتَاعًا لِّلْمُقْوِيْنَ
- اخلاق حرفه ای چیست؟
- تفاوت اخلاق و فقه و حقوق در چیست؟
- دید توحیدی به اخلاق را با دو دید دیگر مقایسه نمایید.

تکنولوژی زدگی

- بعضی روشهای تفکر بر اساس تکامل، انسان را حیوان ابزار ساز می دانند و تکنولوژی را غایت انسان می پندارند.
- بعضی ها هم فکر می کنند که تکنولوژی وسیله است و ابزار اصالت ندارد و انسان از آن برای رسیدن به کمال استفاده می کند.
- هایدگر از معدود فیلسوفانی است که به تکنولوژی پرداخته و معتقد به ماهیت ابزاری تکنولوژی است.

تکنولوژی چیست؟

ترکیبی از مهارت‌ها، دانش‌ها؛ توانایی‌ها، مواد، ماشین‌ها و ابزارها است که انسان از آن برای تبدیل و یا تغییر مواد خام به اجناس ارزشمند یا خدمات استفاده می‌کند.



عصر نرم افزار باشد این زمان - صد کتاب اندر یکی سیدی نهان

تکنولوژی در مقابل علم

Technology

- مطالعه پدیده های ساخته دست بشر
- آنطور که می تواند باشد



Science = علوم طبیعی

- مطالعه پدیده های طبیعی
- آنطور که هستند



دانش = توصیف، تبیین، پیش بینی، مداخله و کنترل، آیا تکنولوژی زیر مجموعه دانش است یا بالعکس؟

اجزای فناوری

- سخت افزار (ابزارها)
- نرم افزار (رویه ها، نظریات پشتیبان و ...)
- ؟
- نهاد افزار (سازمان)

تکنو؟ لوژی؟

▪ Techne در مقابل Arche، یعنی آفریده ی دسته انسان در مقابل آفریده خدا
(البته در نگاه توحیدی این دو یکی است)

▪ Logic

▪ در زبان یونانی

نظر هایدگر در مورد تکنولوژی

- تکنولوژی نوعی رفع حجاب است و فهمیدن چیزی جدید توسط انسان، البته به همراه تعرض و بهره کشی از طبیعت.
- او می گوید “کشاورزی اکنون چیزی جز صنعت ماشینی غذا سازی نیست”
- هایدگر خطر پیش روی بشر را در نگاه ابزاری به خود بشر می بیند و اینکه خود بشر بعنوان یک منبع طبیعی مورد دستبرد تکنولوژی قرار گیرد و تکنولوژی بخواهد بشر را رام کند. (یا عده ای بخواهند عده ای دیگر را به وسیله تکنولوژی به بردگی کشند)
- « هنوز می توانیم طور دیگری عمل کنیم و می توانیم از اسباب فنی استفاده کنیم و در عین حال، با بهره گیری صحیح، خود را از قید ان آزاد داریم، یعنی هر زمان که خواستیم بتوانیم از بند آن خلاص شویم. بدین طریق رابطه ما با تکنولوژی به طرز شگفت انگیزی ساده و راحت خواهد شد. اجازه خواهیم داد که تکنولوژی در زندگی روزانه ما وارد شود و در عین حال بیرونش خواهیم کرد؛ مانند چیزهایی که مطلق نیستند و وابسته به اموری والاتر از خود هستند. »

جنود عقل و جهل

- یک حدیث ناب از امام صادق (ع)
- یکی از احادیث اخلاقی اصلی در اولین باب از اصول کافی (یکی از کتاب اربعه که شکی در سندیت آنها نیست)
- که کمتر روی آن کار شده، به خصوص در مدیریت
- نقطه تفاوت پارادایم اسلام و سرمایه داری در آن به خوبی بیان شده است
- یکی از آثار دستنوشته ی امام خمینی کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل است که در وصیت نامه به نشر آن توصیه فرمودند

انگیزه امام خمینی

- کتاب اخلاق باید دوا باشد و نه نسخه
- کتاب اخلاق باید در جهت تسویه ی نفس باشد نه شناخت تاریخ اخلاق و عبارات
- اخلاق باید از مبانی انسان شناسی و ارزش شناسی شروع شود (چقدر مبانی فلسفی تئوری های مدیریت را می شناسید؟)
- غالباً شرح احادیث شریفه و مفسرین قرآن کریم، این نکته را که اصل اصول است، مورد نظر قرار ندادند و سرسری از آن گذشته اند و جهاتی را که مقصود از نزول قرآن و صدور احادیث به هیچ وجه نبوده، از قبیل جهات ادبی و فلسفی و تاریخی و امثال آن، مورد بحث و تدقیق و فحص و تحقیق، قرار داده اند.

شروع حدیث جنود عقل و جهل

▪ اَعْرِفُوا الْعَقْلَ وَ جُنْدَهُ وَ الْجَهْلَ وَ جُنْدَهُ تَهْتَدُوا (عقل ابزار هدایت است، العقل ما عبد به الرحمن و اکتسب به الجنان)

▪ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ الْعَقْلَ وَ هُوَ أَوَّلُ خَلْقٍ مِنَ الرُّوحَانِيِّينَ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ مِنْ نُورِهِ فَقَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ

فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقْتُكَ خَلْقًا عَظِيمًا وَ كَرَّمْتُكَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِي (وجود نوره قبل از عقل بحث فلسفی عمیقی دارد و به

صادر نخستین می رسد، عقل مطیع خداست و استفاده کننده از دنیا، دنیا مانند رحم برای زایش و تکامل انسان است)

▪ ثُمَّ خَلَقَ الْجَهْلَ مِنَ الْبَحْرِ الْأَجَاجِ ظُلْمَانِيًّا فَقَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَلَمْ يُقْبَلْ فَقَالَ لَهُ اسْتَكْبَرْتَ فَلَعَنَهُ

▪ بحر اجاج = دریای شرو و تلخ (اشاره به قوه شهوت و غضب) ظلمانی = تاریکی خودخواهی و هواخواهی

رفتار جهل

- به او فرمود پس رو پس رفت فرمود پیش بیا پیش نیامد. ... او را از رحمت خود دور ساخت.
- چون جهل مکرمت و عطاء خدا را نسبت به عقل دید دشمنی او را در دل گرفت و عرض کرد: پروردگارا این هم مخلوقی است مانند من؛ او را آفریدی و گرمی اش داشتی و تقویتش نمودی؛ من ضد او هستم و بر او توانائی ندارم. آنچه از لشکر به او دادی به من هم عطا کن

▪ عناصر رفتار جهل چیست؟

جنود عقل و جهل

الْخَيْرُ وَهُوَ وَزِيرُ الْعَقْلِ وَ جَعَلَ ضِدَّهُ الشَّرُّ وَ هُوَ وَزِيرُ الْجَهْلِ
وَ الْإِيمَانُ وَ ضِدَّهُ الْكُفْرُ
وَ التَّصَدِيقُ وَ ضِدَّهُ الْجُحُودُ
وَ الرَّجَاءُ وَ ضِدَّهُ الْقُنُوطُ
وَ الْعَدْلُ وَ ضِدَّهُ الْجَوْرُ
وَ الرِّضَا وَ ضِدَّهُ السُّخْطُ
وَ الشُّكْرُ وَ ضِدَّهُ الْكُفْرَانُ
وَ الطَّمَعُ وَ ضِدَّهُ الْيَأْسُ

خیر و آن وزیر عقل است و ضد او را شرّ قرارداد، که آن وزیر جهل
و ایمان و ضد آن کفر؛
و تصدیق حق و ضد آن انکار حق؛
و امیدواری و ضد آن نومیدی؛
و دادگری و ضد آن ستم؛
و خشنودی و ضد آن قهر و خشم؛
و سپاسگزاری و ضد آن ناسپاسی؛
و چشم داشت رحمت خدا و ضد آن یأس از رحمتش؛

جنود عقل و جهل

و توکل و اعتماد بخدا و ضد آن حرص و آز؛
و نرم دلی و ضد آن سخت دلی؛
و مهربانی و ضد آن کینه توزی؛
و دانش و فهم و ضد آن نادانی؛
و شعور و ضد آن حماقت؛
و پاکدامنی و ضد آن بی باکی و رسوائی؛
و پارسائی و ضد آن دنیاپرستی؛
و خوشرفتاری و ضد آن بدرفتاری؛

وَ التَّوَكُّلُ وَ ضِدَّهُ الْحَرِصُ
وَ الرَّأْفَةُ وَ ضِدُّهَا الْقَسْوَةُ
وَ الرَّحْمَةُ وَ ضِدُّهَا الْغَضَبُ
وَ الْعِلْمُ وَ ضِدُّهُ الْجَهْلُ
وَ الْفَهْمُ وَ ضِدُّهُ الْحُمُقُ
وَ الْعِفَّةُ وَ ضِدُّهَا التَّهْتِكُ
وَ الزُّهْدُ وَ ضِدُّهُ الرَّغْبَةُ
وَ الرَّفْقُ وَ ضِدُّهُ الْخُرْقُ

جنود عقل و جهل

پروا داشتن و ضد آن گستاخی؛
و تواضع و ضد آن کبر؛
و آرامی و ضد آن شتابزدگی؛
و خردمندی و ضد آن بیخردی؛
و خاموشی و ضد آن پرگوئی؛
و رام بودن و ضد آن گردنکشی؛
و تسلیم حق شدن و ضد آن تردید کردن؛
و شکیبائی و ضد آن بیتابی؛

وَ الرَّهْبَةُ وَ ضِدُّهُ الْجُرْأَةُ
وَ التَّوَاضُّعُ وَ ضِدُّهُ الْكِبَرُ
وَ التُّؤَدَةُ وَ ضِدُّهَا التَّسْرَعُ
وَ الْحِلْمُ وَ ضِدُّهَا السَّفَهَ
وَ الصَّمْتُ وَ ضِدُّهُ الْهَذَرُ
وَ الْإِسْتِسْلَامُ وَ ضِدُّهُ الْإِسْتِكْبَارُ
وَ التَّسْلِيمُ وَ ضِدُّهُ الشَّكُّ
وَ الصَّبْرُ وَ ضِدُّهُ الْجَزَعُ

جنود عقل و جهل

و چشم پوشی و ضد آن انتقام جوئی؛
و بی نیازی و ضد آن نیازمندی؛
و بیاد داشتن و ضد آن بی خبر بودن؛
و در خاطر نگه داشتن و ضد آن فراموشی؛
و مهرورزی و ضد آن دوری و کناره گیری؛
و قناعت و ضد آن حرص و آز؛
و تشریک مساعی و ضد آن دریغ و خودداری؛
و دوستی و ضد آن دشمنی؛

وَ الصَّفْحُ وَ ضِدُّهُ الْإِنْتِقَامُ
وَ الْغِنَى وَ ضِدُّهُ الْفَقْرُ
وَ التَّذَكُّرُ وَ ضِدُّهُ السَّمْهُو
وَ الْحِفْظُ وَ ضِدُّهُ النَّسِيَانُ
وَ التَّعَطُّفُ وَ ضِدُّهُ الْقَطِيعَةُ
وَ الْقُنُوعُ وَ ضِدُّهُ الْحِرْصُ
وَ الْمُؤَاسَاةُ وَ ضِدُّهَا الْمَنَعُ
وَ الْمَوَدَّةُ وَ ضِدُّهَا الْعَدَاوَةُ

جنود عقل و جهل

و پیمان داری و ضد آن پیمان شکنی؛
و فرمانبری و ضد آن نافرمانی؛
و سرفروزی و ضد آن بلندی جستن؛
و سلامت و ضد آن مبتلا بودن؛
و دوستی و ضد آن تنفر و انزجار؛
و راستگوئی و ضد آن دروغگوئی؛
و حق و درستی و ضد آن باطل و نادرستی؛
و امانت و ضد آن خیانت؛

وَ الْوَفَاءُ وَ ضِدُّهُ الْغَدْرُ
وَ الطَّاعَةُ وَ ضِدُّهَا الْمُعْصِيَةُ
وَ الْخُضُوعُ وَ ضِدُّهُ التَّطَاوُلُ
وَ السَّلَامَةُ وَ ضِدُّهَا الْبَلَاءُ
وَ الْحُبُّ وَ ضِدُّهُ الْبُغْضُ
وَ الصِّدْقُ وَ ضِدُّهُ الْكَذِبُ
وَ الْحَقُّ وَ ضِدُّهُ الْبَاطِلُ
وَ الْأَمَانَةُ وَ ضِدُّهَا الْخِيَانَةُ

جنود عقل و جهل

و پاکدلی و ضد آن ناپاکدلی؛
و چالاکی و ضد آن سستی؛
و نشاط و زیرکی و ضد آن کودنی؛
و شناسائی و ضد آن ناشناسائی؛
و مدارا و رازداری و ضد آن راز فاش کردن؛
و یک روئی و ضد آن دغلی؛
و پرده پوشی و ضد آن فاش کردن؛
و نمازگزاردن و ضد آن تباه کردن نماز؛

وَ الْإِخْلَاصُ وَ ضِدَّهُ الشُّبُوبُ
وَ الشَّهَامَةُ وَ ضِدُّهَا الْبَلَادَةُ
وَ الْفَهْمُ وَ ضِدُّهُ الْغَبَاوَةُ
وَ الْمَعْرِفَةُ وَ ضِدُّهَا الْإِنْكَارُ
وَ الْمُدَارَاةُ وَ ضِدُّهَا الْمُكَاشَفَةُ
وَ سَلَامَةُ الْغَيْبِ وَ ضِدُّهَا الْمُمَاكِرَةُ
وَ الْكِثْمَانُ وَ ضِدُّهُ الْإِفْشَاءُ
وَ الصَّلَاةُ وَ ضِدُّهَا الْإِضَاعَةُ

جنود عقل و جهل

و روزه گرفتن و ضد آن روزه خوردن؛
و جهاد کردن و ضد آن فرار از جهاد؛
و حج گزاردن و ضد آن پیمان حج شکستن
و سخن نگهداری و ضد آن سخن چینی؛
و نیکی به پدر و مادر و ضد آن نافرمانی پدر و مادر؛
و با حقیقت بودن و ضد آن ریاکاری؛
و نیکی و شایستگی و ضد آن زشتی و ناشایستگی؛
و خودپوشی و ضد آن خود آرائی؛

وَ الصَّوْمِ وَ ضِدَّهُ الْإِفْطَارَ
وَ الْجِهَادُ وَ ضِدَّهُ النُّكُولَ
وَ الْحَجُّ وَ ضِدَّهُ نَبَذَ الْمِيثَاقِ
وَ صَوْنُ الْحَدِيثِ وَ ضِدَّهُ النَّمِيمَةَ
وَ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَ ضِدَّهُ الْعُقُوقَ
وَ الْحَقِيقَةَ وَ ضِدَّهَا الرِّيَاءَ
وَ الْمَعْرُوفُ وَ ضِدَّهُ الْمُنْكَرَ
وَ السُّتْرُ وَ ضِدَّهُ التَّبَرُّجُ

جنود عقل و جهل

و تقیه و ضد آن بی پروائی؛
و انصاف و ضد آن جانبداری باطل؛
و خودآرائی برای شوهر و ضد آن بی عفتی؛
و نظافت و پاکیزگی و ضد آن پلیدی؛
و حیا و آزر و ضد آن بی حیائی؛
و میانه روی و ضد آن تجاوز از حد؛
و آسودگی و ضد آن خود را به رنج انداختن؛
و آسان گیری و ضد آن سخت گیری؛

وَ التَّقِيَّةُ وَ ضِدَّهَا الْإِذَاعَةُ
وَ الْإِنصَافُ وَ ضِدَّهُ الْحَمِيَّةُ
وَ التَّهَيُّؤُةُ وَ ضِدَّهَا الْبَغْيُ
وَ النَّظَافَةُ وَ ضِدَّهَا الْقَدَرُ
وَ الْحَيَاءُ وَ ضِدَّهَا الْجَلْعُ
وَ الْقَصْدُ وَ ضِدَّهُ الْعُدْوَانُ
وَ الرَّاحَةُ وَ ضِدَّهَا التَّعَبُ
وَ السَّهُولَةُ وَ ضِدَّهَا الصُّعُوبَةُ

جنود عقل و جهل

و برکت داشتن و ضد آن بی برکتی؛
و تندرستی و ضد آن گرفتاری؛
و اعتدال و ضد آن افزون طلبی؛
و موافقت با حق و ضد آن پیروی از هوس؛
و سنگینی و متانت و ضد آن سبکی و جلفی؛
و سعادت و ضد آن شقاوت؛
و توبه و ضد آن اصرار بر گناه؛
و طلب آمرزش و ضد آن بیهوده طمع بستن؛

وَ الْبَرَكَهٗ وَ ضِدَّهَا الْمَحْقُ
وَ الْعَافِيَةُ وَ ضِدَّهَا الْبَلَاءُ
وَ الْقَوَامُ وَ ضِدَّهُ الْمُكَاثِرَةُ
وَ الْحِكْمَةُ وَ ضِدَّهَا الْهَوَاءُ
وَ الْوَقَارُ وَ ضِدَّهُ الْخِفَّةُ
وَ السَّعَادَةُ وَ ضِدَّهَا الشَّقَاوَةُ
وَ التَّوْبَةُ وَ ضِدَّهَا الْإِصْرَارُ
وَ الْاسْتِغْفَارُ وَ ضِدَّهُ الْإِغْتِرَارُ

جنود عقل و جهل

و دقت و مراقبت و ضد آن سهل انگاری؛
دعا کردن و ضد آن سرباز زدن؛
و خرمی و شادابی و ضد آن سستی و کسالت؛
و خوشدلی و ضد آن اندوهگینی؛
مانوس شدن و ضد آن کناره گرفتن؛
و سخاوت و ضد آن بخیل بودن.

و الْمُحَافِظَةُ وَ ضِدَّهَا التَّهَؤُنُ
وَ الدُّعَاءُ وَ ضِدَّهُ الْإِسْتِنكَافُ
وَ النَّشَاطُ وَ ضِدَّهُ الْكَسَلُ
وَ الْفَرَحُ وَ ضِدَّهُ الْحَزَنُ
وَ الْأَلْفَةُ وَ ضِدَّهَا الْفُرْقَةُ
وَ السَّخَاءُ وَ ضِدَّهُ الْبُخْلُ

انتهای حدیث

▪ فَلَا تَجْتَمِعُ هَذِهِ الْخِصَالُ كُلُّهَا مِنْ أَجْنَادِ الْعَقْلِ إِلَّا فِي نَبِيٍّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيٍّ أَوْ مُؤْمِنٍ قَدْ اِمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ

▪ تمام این صفات (هفتاد و پنجگانه) که لشکریان عقلند جز در پیغمبر و جانشین او و مؤمنی که خدا دلش را به ایمان آزموده

جمع نشود

▪ وَ أَمَّا سَائِرُ ذَلِكَ مِنْ مَوَالِينَا فَإِنَّ أَحَدَهُمْ لَا يَخْلُو مِنْ أَنْ يَكُونَ فِيهِ بَعْضُ هَذِهِ الْجُنُودِ حَتَّى يَسْتَكْمِلَ وَ يَنْقَى مِنْ جُنُودِ الْجَهْلِ

▪ اما دوستان دیگر ما برخی از اینها را دارند تا تدریجاً همه را دریابند و از لشکریان جهل پاک شوند

اخلاق، قابل تغییر است

- استدلال مخالفان امکان تحول اخلاقی، افزون بر برخی ادله نقلی، این ادعاست که صفات اخلاقی، طبیعی است؛ یعنی همگام با مزاج و طبیعت آدمی است و از این رو، ازاله آن، محال است.
- شاکله نظر علامه طباطبایی:
- سوره اسراء، آیه ۸۴: قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا
- بگو: هر کس بر ساختار و خلق و خوی خویش عمل می کند، پس پروردگارتان داناتر است به کسی که به هدایت نزدیک تر است .
- شاکله از شکال می آید: میخ ثابتی که حیوانی را به آن می بندند و حول آن می تواند حرکت کند.
- اهدا <<< هدایت شدن به معنای غلبه بر شاکله ی بد و حرکت به سمت تعبد و تربیت است

یادآوری هدف آموزش اخلاق

- کاهش تعارض زندگی و فطرت الهی (مانند مدل ۴ گانه کسب و کار آرامش بخش)
- بالتبع کاهش تعارضات فرد و خدا،
- فرد و فرد،
- فرد و سازمان،
- سازمان و جامعه،
- سازمان و محیط زیست،
- افراد و گذشته و حال و آینده
- به کارگیری عقل و جنودش آنطور که گفته شد باعث دیدن وحدت و کاهش تعارض است.

موضوعات تحقیقی در گروه های ۲ نفری

۱. تصدیق و جحود
۲. رجاء و قنوط
۳. عدل و جور
۴. رضا و سخط
۵. شکر و کفران
۶. طمع و یاس
۷. توکل و حرص
۸. رافت و رحمت و قساوت و غضب
۹. علم و جهل
۱۰. فهم و حمق
۱۱. عفت و هتک
۱۲. زهد و رغبت
۱۳. رفق و خرق
۱۴. رهبت و جرئت
۱۵. تواضع و کبر
۱۶. توده و تسرع
۱۷. حلم و سفه
۱۸. صمت و هذر
۱۹. استسلام و استکبار
۲۰. تسلیم و شک
۲۱. صبر و جزع
۲۲. صفح و انتقام

سوال امتحانی

- نظر هایدگر در مورد استفاده درست از تکنولوژی چیست؟
- عقل تکنه لاجی و آرچه لاجی را چطور درک می کند؟
- رویکرد عقل و جهل نسبت به دنیا چیست؟
- در یک پاراگراف موضوع تحقیق خود را توضیح دهید.

▪ مطالعه بیشتر: تدریس کتاب به صورت صوتی در آدرس زیر

▪ <http://lobolmizan.ir/sound/1131>

▪ متن کتاب در آدرس زیر

▪ <http://portal.tebyan.net/File/13/old/pdf/17656.pdf>